روزنامه شرق

دوشنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۵
۲۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
۹ نوامبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۵۲۲
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه



در آستانه برگزاری کنگره حزب کمونیست چین

شی و چالش جانشینی

۴

در «شرق» امروز می‌خوانید: تاب‌آوری بخش خصوصی؛ از دوام تا حفظ توان بازگشت • شاهکار علیرضا یوسفی؛ رکورد جهان شکست • عکس پروفایل؛ چهره همیشه حاضر

«شرق» از تشدید تلاش‌های آمریکا برای فشار بر اقتصاد و تجارت ایران گزارش می‌دهد

عملیات اقتصادی علیه تهران

شرق: آمریکا از سومین عملیات اقتصادی علیه ایران خبر داد؛ این کشور در جریان جنگ ۴۰روزه با عملیاتی موسوم به خشم اقتصادی اقدام به محاصره دریایی ایران کرد و پس از آن با هدف تشدید فشارهای تحریمی، عملیات طرد اقتصادی را از سر گرفت که بر مبنای آن همسایگان و شرکای تجاری کشور را از مراودات مالی با ایران منع کرد و حالا ستکام خبر داده است عملیات دروازه آهنین را با هدف محاصره زمینی و مسیرهای جایگزین دریای خزر از سر می‌گیرد. فشارهای پیاپی اقتصادی بر ایران در شرایطی است که با شکست سنگین جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای انتظار بر این است که در جنگ ایران گشایشی حاصل شده و دو کشور به میز مذاکرات برگردند. درست در شرایطی که جمهوری‌خواهان آمریکا در شکستی سنگین نتیجه انتخابات میان‌دوره‌ای را به دموکرات‌ها واگذار کرده‌اند و انتظارها بر این است که فضای مذاکرات بین ایران و آمریکا تسهیل شود، ستکام فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا خبر داد تصمیم به اعمال محاصره زمینی علیه ایران گرفته است. این نهاد توضیح داد به دستور برد کوپر، فرمانده ستکام آمریکا برای جلوگیری از انتقال تسلیحات پیشرفته، کالاهای تحریم‌شده و درآمدهای تحریمی از مسیر مرزهای زمینی ایران و دریای خزر محدودیت‌های تازه‌ای وضع کرده است و در واقع مسیرهای جایگزین زمینی و دریایی را رصد می‌کند. ستکام شنبه‌شب هفته جاری با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد دستور تشکیل این کارگروه صادر شده است و بنابر این بیانیه، تشکیل این کارگروه «به تلاش‌های جاری دولت آمریکا برای جلوگیری از استفاده ایران از مسیرهای زمینی برای انتقال تسلیحات پیشرفته و سایر اقلام» کمک خواهد کرد.

گزارش تیتر یک را در صفحه ۳ بخوانید

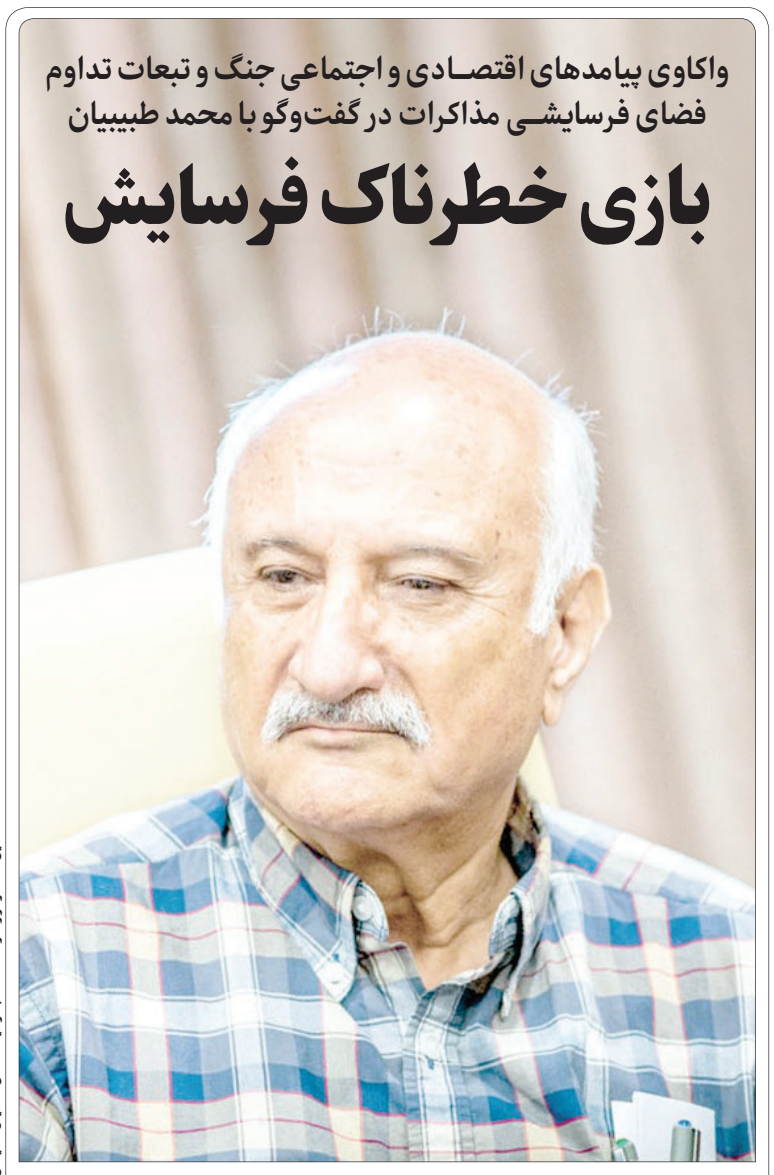
گزارش «شرق» از خسارت بارندگی‌ها و اجرانشدن برنامه‌های پیشگیری از سیلاب در کشور

از باران تا بحران روایت یک غفلت تکراری

صفحه ۵

واکاوی پیامدهای اقتصادی و اجتماعی جنگ و تبعات تداوم فضای فرسایشی مذاکرات در گفت‌وگو با محمد طبیبیان

بازی خطرناک فرسایش



این گفت‌وگو را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: دانیال شایگان

برگزیده‌ها

مأموریت تشکیل کابینه اسرائیل به رقیب نتانیاهو رسید، اما موانع ائتلاف پابرجاست

مأموریت دشوار آیزنکوت

۴

کدخدایی:

تنگه هرمز با امنیت ملی ایران گره خورده است

۲

برای بهرام بیضایی هیچ پاسداشتی بهتر از انتشار آثارش در ایران نیست

بزرگداشت فرزند کم‌نظیر ایران

۸

شکست در زمین، جنگ در ساختمان باشگاه

پرسپولیس در بحران

۶

نگاه

بازهم آن فعل که نباید نام برد

یادداشتی از بابک زمانی

۸

اقتصاد نگهداری گذشته

یادداشتی از حمید کردبچه

۷

سرمقاله

آیا علم نویدبخش صلح و پیشرفت است؟



حمزه نوذری
جامعه‌شناس و استاد دانشگاه خوارزمی

در عصر روشنگری خوش‌بینی زیادی نسبت به علم وجود داشت. روشنفکران این عصر تصور می‌کردند با پایان‌یافتن عصر سنت و متافیزیک، شاهد دورانی خواهیم بود که علم، پیشرفت و خوشبختی برای انسان به بار می‌آورد و شرارت را کاهش می‌دهد؛ چون شرارت ریشه در جهالت دارد و علم با روشنگری و از بین بردن جهالت، خوشبختی برای انسان ایجاد می‌کند. انباشت دانش وسیله‌ای برای افزایش قدرت انگاشته شد و به گمان آنها قدرت نیز شادی به بار می‌آورد. متفکران این عصر معتقد بودند با پیشرفت علم، انسان‌ها خود و محیط‌شان را بهتر می‌شناسند و زمینه پیشرفت و صلح فراهم می‌شود. به باور این افراد، علم و پیشرفت توقف‌ناپذیر است. این نگاه هم وجود داشت که با پیشرفت علم، نابرابری کاهش پیدا می‌کند. در قرن نوزدهم روشنفکران و متفکران رابطه علم و پیشرفت را تصدیق می‌کردند، اما نه به شدت گذشته. افزایش دانش بر همه جنبه‌های زندگی اثر می‌گذارد، اما این به آن معنا نیست که یک قانون پیشرفت اجتماعی ثابت وجود دارد. در این میان، کسانی هم بودند که به پیشرفت اعتقاد نداشتند. خلاصه اینکه متفکران بعد از قرن هجدهم هم بر این باور بودند که با علم می‌توان به پیشرفت‌هایی رسید، اما به شرط اینکه چیزی مانع تحقق آن نشود. از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم این بحث پیش آمد که علم، به‌ویژه علم ابزاری، می‌تواند شر ایجاد کند؛ شری که جان انسان‌های بسیاری را می‌گیرد. اینکه انسان از علم برای صلح، پیشرفت و خوشبختی استفاده می‌کند، هم به اندازه کافی متقاعدکننده نیست و هم خیلی خوش‌بینانه بود. جامعه‌شناسان کلاسیک نسبت به علم خوش‌بین بودند، اما علم را فقط علوم طبیعی نمی‌دانستند.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

از «یکی بود، یکی نبود» تا غربت ژنو



مرتضی فلاح

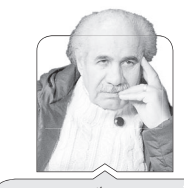
امروز، سالروز خاموشی مردی است که با واژگان ساده و دلنشین خود، جان تازه‌ای به کالبد نثر کهن فارسی دمید و داستان ایرانی را از افسانه‌های پرتکلف به کوچه‌های پر از زندگی و واقعیت کشاند. محمدعلی جمال‌زاده تنها یک نویسنده نبود؛ او آینه‌ای بود که رنج‌ها، شادی‌ها، طنز تلخ و شیرین و آرزوهای ملتی را در صفحات «یکی بود، یکی نبود» منعکس کرد. او با قلمی روان و بی‌پیرایه، «پدر داستان کوتاه فارسی» شد و سبک واقع‌گرایی را بنیان نهاد. جمال‌زاده با خلق آثاری همچون «فارسی شکر است» و «سر و ته یک کرباس» و... نه‌تنها داستان‌نویسی نوین را پایه‌گذاری کرد، بلکه به‌مثابه یک مصلح اجتماعی، با طنزی گزنده و نثری آکنده از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات عامیانه، به نقد وضع زمانه و خرافه‌های جامعه خویش پرداخت. او زبان فارسی را از قیدوبندهای تصنعی رهانید و به آن جانی دوباره بخشید. او تنها داستان‌نویس نبود؛ پژوهشگری پرکار، مترجمی چیره‌دست و روزنامه نگاری ورزیده نیز بود. پیش از آنکه با «یکی بود، یکی نبود» نامش بر سر زبان‌ها بیفتد، با کتاب «گنج شایگان» (۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م) نخستین تحقیق جدی و علمی یک ایرانی درباره اقتصاد ایران را منتشر کرده بود؛ اثری که هنوز هم اعتبار و مرجعیت خود را در این زمینه حفظ کرده است. در حوزه تاریخ و ادب نیز آثاری همچون «تاریخ روابط روس با ایران»، «پندنامه سعدی یا گلستان نیکبختی»، «قصه قصه‌ها»، «بانگ نای» (داستان‌های مثنوی) و «اندک آشنایی با حافظ» از او به یادگار مانده است. «فرهنگ لغات عامیانه» و «طریقه نویسندگی و داستان‌سرایی» نیز از تلاش‌های او برای نظام‌مندکردن نثر و زبان عامیانه در ادب فارسی است. در عرصه اجتماعی نیز آثاری همچون «خلقیات ما ایرانیان»، «آزادی و حیثیت انسانی»، «خاک و آدم» و «زمین، ارباب، دهقان» نشان از دغدغه اصلاح‌گرانه او دارد.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

شکست مغروران، فرصت خردمندان

از افول سیاست جنگ و تحقیر تا ضرورت توجه به قدرت ملی راستین



موسی اکرمی

درآمد. شکست در صندوق رأی، نشانه‌ای از بحران مشروعیت

دو رویداد انتخاباتی در اسرائیل و ایالات متحده حامل پیامی مهم برای دولت‌هایی است که قدرت را با برتری‌جویی، تهدید، تحقیر دیگران و توسل به زور یکسان می‌انگارند: هیچ قدرتی، هر اندازه نیز به ابزارهای نظامی، اقتصادی و تبلیغاتی مجهز باشد، نمی‌تواند برای همیشه از داوری شهروندان و پیامدهای سیاست‌های خود مصون بماند. در انتخابات اخیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو و حزب لیکود، با وجود حفظ جایگاه بزرگ‌ترین حزب، نتوانستند اکثریت پارلمانی پیشین را برای بلوک خود حفظ کنند. کاهش کرسی‌های این بلوک از ۶۸ به ۵۳، در کنار ناتوانی بلوک‌های سیاسی از دستیابی به اکثریت لازم، نشانه‌ای از فرسایش موقعیت سیاسی نتانیاهو است. این نتیجه را باید در پرتو سال‌ها بحران داخلی، جنگ‌های پی‌درپی، هزینه‌های انسانی و اقتصادی و نگرانی‌ها درباره آینده امنیت و جایگاه بین‌المللی اسرائیل ارزیابی کرد. در ایالات متحده نیز انتخابات میان‌دوره‌ای سوم نوامبر ۲۰۲۶، با پیروزی گسترده دموکرات‌ها و بازگشت آنان به اکثریت در کنگره و سنا، ضربه‌ای سنگین به دونالد ترامپ و جمهوری‌خواهان وارد کرد. نارضایتی اقتصادی، نگرانی از شیوه زمامداری ترامپ، مخالفت با سیاست‌های جنگ‌طلبانه و پیامدهای تجاوز نظامی به ایران، از عوامل مؤثر در این واکنش انتخاباتی بوده‌اند. اهمیت این تحولات، بیش از آنکه در شکست رقیبان باشد، در فرصتی است که برای بازاندیشی درباره سیاست‌هایی فراهم می‌کنند که امنیت را در جنگ بی‌پایان، اقتدار را در تحقیر دیگران و مشروعیت را در غلبه بر مخالفان جست‌وجو می‌کنند.

یکم. قدرت ملی از اتحاد شهروندان آغاز می‌شود

نخستین درس این رویدادها برای دولتمردان ما، ضرورت بازنگری بنیادین در سیاست داخلی است. ضمن ستودن کوشش‌های افتخارآمیز حافظان کشور در عرصه‌های نظامی و دیپلماتیک، باید پذیرفت که هیچ کشوری صرفا با اتکا به قدرت نظامی و کوشش دیپلماتیک، بدون برخورداری از پشتوانه اجتماعی نیرومند، نمی‌تواند امنیتی پایدار داشته باشد. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت ملی، اعتماد عمومی و همبستگی داوطلبانه شهروندان است. ایران با تمدنی دیرپا و هویت تاریخی مشترک و برخورداری از پیشینه مبارزاتی دیرین در راه آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی ظرفیت عظیمی برای همبستگی ملی دارد؛ اما این ظرفیت را نمی‌توان با شعار فعال کرد. وحدت ملی محصول به‌رسمیت‌شناختن همه ایرانیان، احترام به تفاوت‌های فکری و فرهنگی، تضمین حقوق شهروندی و مشارکت واقعی مردم در تعیین سرنوشت خویش است. ازاین‌رو، مسئولان کشور باید شرایط کنونی را نه فرصتی برای تشدید محدودیت‌ها، بلکه فرصتی تاریخی برای بازسازی رابطه ملت و دولت بدانند. این بازسازی مستلزم تضمین آزادی‌های اساسی، به‌رسمیت‌شناختن حق نقد و اعتراض مسالمت‌آمیز، شفافیت و پاسخ‌گویی نهادهای مسئول، مبارزه راستین با فساد و فراهم‌کردن زمینه مشارکت همه گرایش‌های سیاسی و اجتماعی است. دولت باید از این تصور فاصله بگیرد که وفاداری به میهن الزاما به معنای موافقت با سیاست‌های حاکمان است. ایرانیان، با هر عقیده و گرایش سیاسی، چه موافق و چه منتقد حکومت، در برخورداری از حقوق شهروندی برابرند. دفاع از ایران وظیفه‌ای ملی است، اما نباید به مطالبه چشم‌پوشی مردم از حقوق و آزادی‌هایشان تبدیل شود. برعکس، هر اندازه مردم خود را صاحب کشور و سهیم در سرنوشت آن بدانند، آمادگی بیشتری برای دفاع از استقلال و تمامیت ارضی آن خواهند داشت. اتحاد ملی نه به معنای یکسان‌اندیشی، بلکه به معنای سهیم‌دانستن همگان در سرنوشت مشترک کشور است.

دوم. سیاست خارجی: از تنهایی استراتژیک به دیپلماسی فعال و کرامت‌محور

دومین درس این تحولات، ضرورت بازنگری در سیاست خارجی ایران است. ایران حق دارد و باید در برابر هرگونه تجاوز خارجی از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خود دفاع کند.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

منافع ملی ایران و حق حاکمیت ارمنستان



محمود اشرفی

تغییرات ژئوپلیتیکی در مرزهای شمال غربی و برهم‌خوردن موازنه ژئوپلیتیک، به زیان منافع ملی ایران است. هرگونه گرایش سیاسی که در راستای منافع ملی کشورمان باشد، با تغییر مرزی ارمنستان و ایران مخالفت خواهد کرد. دگرگونی ژئوپلیتیک در سرزمین‌های شرقی دریای کاسپین تأثیرات ژرفی در منطقه قفقاز دارد. جدا از دلبستگی‌های ملی در مورد بخش بزرگی از قفقاز که روزگاری در قلمرو کشورمان بود، تغییرات سرزمینی به‌ویژه در پایین‌دست این حوزه، خلاف مصالح ملی ایران است. مناقشات سرزمینی جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه قره‌باغ، به آشتی اجباری انجامید؛ آشتی‌ای که چندان با مصالح ملی ارمنستان سازگار نبود. در رویارویی و کشمکش نظامی ارمنستان و جمهوری آذربایجان، روسیه که به نظر می‌رسید پیوندهای راهبردی ژرفی با طرف ارمنی دارد، حمایت همه‌جانبه‌ای از ارمنستان نکرد. خلأ سیاسی ناشی از این عدم پشتیبانی، به همراه کاهش توان نظامی و پایین‌بودن ظرفیت‌های دیپلماتیک، ارمنستان را ناگزیر به پذیرش شروط جمهوری آذربایجان کرد. ارمنستان از قره‌باغ به نفع جمهوری آذربایجان عقب‌نشینی کرد. با دخالت پان‌ترکیست‌های ترکیه، مناقشه سرزمینی ارمنستان و جمهوری آذربایجان گستره وسیعی یافت و بر اساس طرح کریدور زنگزور قرار است ارمنستان از حق حاکمیت خود در جنوب استان سیونیک واقع در مرز ایران و این کشور چشم‌پوشی کند. جمهوری نوبنیاد آذربایجان، کشوری دوتکه است؛ جمهوری خودمختار نخجوان به‌عنوان سرزمینی جدا از سرزمین اصلی، هیچ اتصال ارضی‌ای با بخش اصلی جمهوری آذربایجان نداشته و محصور در میان کشورهای ایران و ارمنستان است. نخجوان در سال ۱۸۲۸ بر اساس پیمان ترکمانچای از ایران، سرزمین مادری جدا شد. و امروز بر اساس تمهیدات سیاسی قرار است جمهوری آذربایجان در جنوب استان سیونیک ارمنستان، درست در خط مرزی بین ایران و دولت ایروان، یک کریدور برای دستیابی زمینی به نخجوان، سرزمین فاقد اتصال ارضی خود ایجاد کند. در توافق‌نامه بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان، حق حاکمیت ارمنستان بر این بخش از سرزمین خود نادیده گرفته شده است. این تغییرات تحمیلی سرزمینی، به از بین رفتن مرز بین ایران و ارمنستان خواهد انجامید. اعتراض ایران به ایجاد این کریدور که به تغییرات ژئوپلیتیکی منجر می‌شود، از نظر حقوق بین‌الملل دارای اعتبار است. ایجاد کریدور زنگزور با اصول پذیرفته‌شده حقوق بین‌الملل، یعنی اصل احترام به حاکمیت ملی، تمامیت ارضی کشورها، تغییرناپذیری مرزهای بین‌المللی و ممنوعیت مداخله در امور داخلی کشورها، در تضاد است. چشم‌پوشی ارمنستان از اعمال حق حاکمیت ملی در بخش جنوبی، سرآغاز برهم‌خوردن موازنه ژئوپلیتیک در پایین‌دست قفقاز است. چنین وضعیتی هرگز در راستای منافع ملی نخواهد بود.

یادداشت

آموزش برنامه‌محور به چه معناست؟



احسان هوشمند

آموزش و پرورش امروز کشور با مشکلات و چالش‌های بسیاری روبه‌رو است. در شرایط پیچیده اقتصادی امروز کشور و تورم فزاینده و گرانی‌های اخیر نیز بر ابعاد مشکلات آموزش و پرورش افزوده شده و بودجه موجود کمتر برای رفع چالش‌های ساختاری این مجموعه بااهمیت و حساس کفایت می‌کند. جدا از تحت تأثیر قرارگرفتن انگیزش و رضایت شغلی دبیران و آموزگاران ارجمند آموزش و پرورش از شرایط اقتصادی کشور که گذران زندگی حداقلی و معیشت روزمره این گروه پرشمار و فداکار ایرانی را با مشکلات متعدد و سختی روبه‌رو کرده است. بسیاری از آموزگاران و دبیران جوان و حتی باسابقه و البته حتی بازنشسته‌های فرهنگی از برآوردن نیازهای مسکن و دیگر نیازهای بهداشتی، درمانی، غذایی و رفاهی روزمره خود درمانده‌اند و تاکنون هیچ راهکاری برای عبور از این شرایط دشوار و جانکاه ارائه نشده است و فرهنگیان گرامی همچنان مجبورند با شرایط تورم روزافزون و با حقوق‌های ماهانه کم بسازند. این تنها بخشی از مشکلات ساختاری آموزش و پرورش است. کمبود مدرسه و کلاس درس در بخش بزرگی از کشور به‌ویژه در استان‌های کم‌برخوردارتر مانند سیستان‌وبلوچستان، کمبود دبیر متناسب با دروسی که تدریس می‌شود و نیز کمبود آموزگار در کشور و در استان‌ها و شهرستان‌های محروم، کمبود وسایل کمک‌آموزشی و آزمایشگاهی، به فراموشی سپرده‌شدن نقش اردوهای دانش‌آموزی در رشد و ارتقای فعالیت‌های آموزشی، نبود توجه کافی به هویت ملی و تاریخ و فرهنگ ایرانی در مواد و منابع درسی، کم‌توجهی به آموزش حفظ محیط زیست و... فهرست بلندبالایی از مسائل و مشکلات گوناگونی هستند که آموزش و پرورش با آنها مواجه است.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

جناب آقای دکتر برزین ضرغامی

درگذشت برادر گرامی‌تان را تسلیت عرض می‌کنم.
از خداوند متعال برای آن مرحوم، علو درجات
و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و اجر آرزومندم.

مهدی رحمانیان

جناب آقای دکتر کیانوش راد

درگذشت اندوهبار همسر عزیزتان بانوی مهربان و فداکار
کبری کربلایی‌نیا را به شما و جگرگوشه‌گان تسلیت می‌گوییم.
بی‌شک رنج مظلومانه او از جور زمانه بی‌اجر نخواهد ماند. روحش شاد

فخرالسادات محتشمی‌پور، سیدمصطفی تاج‌زاده

سرکار خانم منصوره تشکری
جناب آقای اصغر نوروزی

با کمال تأثر درگذشت برادر مجاهد و آرمان‌خواه و عدالت‌طلبمان
صادق نوروزی عزیز را تسلیت گفته، از درگاه باری‌تعالی برای شما
و کلیه بازماندگان صبر و اجر تمنا داریم.

فخرالسادات محتشمی‌پور، سید مصطفی تاج‌زاده